

مقایسه آموزش و پرورش در دوره روحانی و ریسی

در دیدار وزرای آموزش و پرورش
دولتهای یازدهم و دوازدهم با
ریسجمهوری پیشین مطرح شد

گروه اجتماعی

پرمخاطبترین وزارتخانه دولت ایران یعنی آموزش و پرورش بیشک
خبرسازترین وزارتخانه در چند ماه گذشته بوده و همچنان این قصه به
پایان نرسیده است؛ از کمبود شدید معلم در هفتههای نخستین تا
نرسیدن کتابهای درسی برخی پایهها تا يك ماهه اول و همچنین مساله
خبرساز تعطیلی مدارس در روزهای آلودگی هوا بخشی از مسائل مهمترین
وزارتخانه ایران است که البته بحث رتبهبندی معلمان، روش استخدام
معلمان تازه و بحث درباره شیوه جذب سه هزار طلبه به روایت شخص
وزیر کنونی و همچنین بحث افت شدید سطح سواد دانشآموزان ایرانی
نمونههای دیگری از خبرسازی این وزارتخانه است. وزیر کنونی هم
گویا چندان از این خبرساز شدن بدش نمیآید یا اینکه ناخواسته
اظهاراتش این همه خبرساز میشود و در هر صورت تغییری در اصل ماجرا
یعنی روزهای پرچالش وزارتخانه آموزشی و تربیتی ایران ایجاد
نمیشود و شاید هم مصایب رییس پیشین جمهوری ایران را به جلسه با
وزرای پیشین آموزش و پرورش ترغیب کرده است. ۱۸ دی امسال «حسن
روحانی» که حالا درگیر انتخابات پیشرو است، جلسه متفاوت از فضای
سیاسی و انتخاباتی برگزار کرد و وزرا و مدیران ارشد وزارتخانه
آموزش و پرورش در دولتهای یازدهم و دوازدهم را دور هم جمع کرد تا
نشستی درباره مسائل خبرساز این وزارتخانه داشته باشند؛ علیاصغر
فانی، محسن حاجی میرزایی، سید محمد بطحایی، سید جواد حسینی و
برخی دیگر از معاونان وزارتخانه در ۸ سال گذشته و مدیران استانی
مهمانان این نشست بودند که از زاویه نگاه خود به تحلیل شرایط
کنونی آموزش و پرورش ایران پرداختند. نوشته پیشرو روایت یکی از
حاضران این نشست یعنی سید جواد حسینی است که روایتی کامل از این

نشست به ما می‌دهد و در یازده محور نه تنها شرایط این جلسه بلکه وضعیت کنونی وزارتخانه آموزش و پرورش را به بحث و بررسی می‌کشاند.

آموزش و پرورش در دولت یازدهم و دوازدهم

سیدجواد حسینی: در دیداری که هجدهم دی‌ماه در تهران با جمعی از وزرا و مدیران سابق آموزش و پرورش با دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری پیشین داشتیم، دکتر فانی، دکتر حاجی‌میرزایی، دکتر بطحایی، اینجانب و برخی دیگر از دوستان به بیان دیدگاه‌های خود در موضوع آموزش و پرورش پرداختند. اینجانب به جهت‌گیری‌ها و عملکردهای مثبت آموزش و پرورش در دولت دکتر روحانی پرداختم و یازده نکته را تشریح کردم که به اختصار بدان خواهم پرداخت.

نکته اول به کم‌پنداری و کم‌انگاری همه دولت‌ها در قلمرو بودجه آموزش و پرورش اشاره کرده و بیان داشتم گرچه استان‌ها سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی باید حداقل بیست درصد باشد، اما این رقم فقط در دوران دفاع مقدس محقق شد و پس از آن این سهم در دوره‌هایی حتی تا هفت درصد کاهش یافت و البته در دولت یازدهم و دوازدهم تا مرز سیزده و نیم افزایش یافت و در دولت کنونی به یازده درصد کاهش یافته است.

نکته دوم انتخاب و انتصاب مدیران به نسبت شایسته و مقبول در سطوح استان‌ها و مناطق و نواحی از ویژگی‌های قابل توجه آموزش و پرورش در آن دوران بود به عنوان مثال مجموعه مدیران منصوب در استان خراسان رضوی ۲۲ درصد سوابق ایثارگری، ۲۰ درصد تجارب و ۶۰ درصد مدارک تحصیلی‌شان نسبت به قبل از افزایش برخوردار بود.

نکته سوم معلمان کارگزاران اصلی تحولند در خصوص معلمان همیشه دولت‌ها به نسبت شایستگی که این قشر دارند عقب‌تر حرکت کرده‌اند، اما چند اقدام شایسته در آن دوران به انجام رسید که به برخی از آنها اشاره خواهم کرد.

ارتقای مراکز تربیت معلم به دانشگاه فرهنگیان، طراحی و تصویب ماده ۲۸ و ۱ برای استفاده از نیروهای حرفه‌ای و توانمند سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پس از گذراندن دوره کوتاه‌مدت دانشگاه فرهنگیان در آموزش و پرورش، تصویب ممنوعیت به‌کارگیری هرگونه نیروی انسانی در آموزش و پرورش جز مسیر دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی، تدوین و تصویب لایحه نظام رتبه‌بندی معلم و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی، سامان‌دهی نیروی انسانی موضوع مهم دیگری است

که اگر به درستی سیاستگذاری نشود چند آسیب جدی را به همراه خواهد داشت. پرت نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری، کمبود معلم در برخی مناطق -مقاطع و نیز از حیث جنسیت، این سیاست در زمان دکتر فانی به شکل جدی در حالی در دستور کار قرار گرفت که با اجرای شتابزده نظام ۳-۳-۶ تراز نیروی انسانی به هم ریخت و یک پایه به دوره ابتدایی اضافه شد و ضرورت اجرای سیاست ساماندهی انسانی را دوچندان ساخت، کاری که از سال ۱۳۹۲ در دستور کار قرار گرفت و نه تنها مانع پرت نیروی انسانی شد و بهره‌وری در عرصه نیروی انسانی را افزود در عین حال هیچ کلاسی بدون معلم نماند. همچنین گرچه از حیث رفاه و معیشت معلمان هیچ‌گاه آنچنان‌که باید و حق ایشان است مورد توجه نبوده و نیستند در عین حال چند اقدام درخور را می‌توان فهرست کرد، رشد بیش از پنج برابری حقوق معلمان از ابتدای سال ۹۲ تا ۱۴۰۰، افزایش ۱۲۲ درصدی مراکز رفاهی و آموزشی معلمان، کاهش معلمان بدون مسکن از ۳۲۰ هزار فاقد مسکن به ۱۷۰ هزار، اجرای طرح ملی مسکن معلمان، توجه به بهره مالکانه در صندوق ذخیره فرهنگیان.

نکته چهارم مربوط به توسعه مشارکت‌ها در نظام تعلیم و تربیت ایران است. آموزش و پرورش ایران دارای ساختاری به شدت متصلب و متمرکز است و همین موضوع ضمن کاهش انگیزه و خلاقیت، بحران کیفیت را نیز دامن زده و نوعی آمرانگی در آموزش را پدیدار ساخته است. بدین جهت از سال ۱۳۹۲ در دوره دکتر فانی سیاست توسعه مشارکت‌ها مطرح شد و آثار مثبتی برجای گذاشت، از جمله توسعه کمی و کیفی مدارس غیردولتی، مدارس هیات امنایی، طرح خرید خدمات آموزشی، توسعه مشارکت با سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، افزایش مشارکت خیرین مدرسه‌ساز به ویژه گسترش فعالیت‌های خیرخواهانه مدرسه‌سازي به مدرسه‌یاری، مشارکت معلمان از طریق انتخابات برای عضویت در شورای عالی آموزش و پرورش و هیات امنای صندوق ذخیره فرهنگیان، افزایش انجمن‌های علمی معلمان از ۳۵۰ به بیش از پانصد انجمن و سایر تشکلهای معلمان به عنوان مثال در استان خراسان چهل و نه پارلمان معلمان، چهل و نه پارلمان اولیا و همین تعداد پارلمان مدیران مدارس و دانش‌آموزان برای بسترسازی مشارکتی در تصمیم‌گیری در نظام آموزش و پرورش شکل گرفت.

همچنین جلوه دیگری از توسعه مشارکت‌ها در حوزه تعاملات آموزش و پرورش با سایر دستگاه‌ها را در یکی از موضوعات بسیار مهم یعنی آسیب‌های اجتماعی می‌توان جست‌وجو کرد. طرح نماد نظام مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی با همکاری و مشارکت سیزده

دستگاه از سال‌های نیمه اول دهه نود کلید خورد و همچنان استمرار دارد.

پنجمین موضوع مهمی که در قلمرو تعلیم و تربیت ایران همواره در مراحل گفتمانی بسیار مورد توجه بوده و شوربختانه در عمل از کمترین سطح توجه برخوردار بوده، موضوع مدرسه‌محوری و قدرت بخشیدن ساختاری و اعتباری به ویژه در انتخاب و اختیار مدرسه است. راه نرفته ما در این مسیر بسیار است، اما در عین حال از سال‌های ۹۲ با سیاست راهبردی ارتقای مدیریت آموزشی و سپس اجرای دو طرح راهبردی تدبیر و تعالی آموزشی در مقطع متوسطه و ابتدایی و نیز در استمرار آن تصویب نظام انتخاب و انتصاب مدیران آموزشی و هشت مرحله اجرایی طرح از انتخاب و انتصاب تا توانمندی و نظارت گام‌های کوچک، اما رو به جلو در این دوره ارزیابی می‌شود.

ششمین موضوع قابل توجه در امر آموزش و پرورش توجه به دوره‌های پیش‌دبستان و نقش آن در شکوفایی ظرفیت‌های تربیتی دانش‌آموزان در دوره‌های بعدی است. ما از این جهت با دو آسیب جدی روبه‌رو هستیم؛ اول سطح پوشش پیش‌دبستان که بر اساس سند تحول جزو نظام رسمی تعلیم و تربیت عمومی محسوب می‌شود که به دلیل اختیاری بودن بسیار پایین بوده به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ از پوشش ۳۸/۲ درصدی برخوردار بود. در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار ردیف اعتباری برای پیش‌دبستان اختصاص یافت و با تمرکز بر این موضوع مهم سطح پوشش پیش‌دبستان در دولت دوازدهم به ۷۱/۱ درصد رشد یافت، اما سویه دوم ماجرا این بود که بیش از ۱۶ دستگاه جز آموزش و پرورش امر تربیت دوره پیش‌دبستان را در اختیار داشتند و نوعی آلودگی مدیریت این دوره حساس موضوع مدیریت تربیت پیش‌دبستان را با چالش جدی مواجه ساخته بود، حال آنکه مدیریت امر تعلیم و تربیت عمومی وفق قانون باید به نهاد تخصصی آن یعنی وزارت آموزش و پرورش و نهاده شود. اقدام راهبردی که در دولت دوازدهم با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در دوره وزارت حاجی‌میرزایی اتفاق افتاد، تصویب و راه‌اندازی سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک بود که بر آن اساس به آشفتگی موضوع مدیریت تربیت در حوزه مهم پیش‌دبستان نه تنها پایان داد، بلکه زمینه رشد کمی و کیفی امر مهم تربیت در این دوره را بیش از پیش فراهم ساخت.

هفتمین محور مورد توجه در عملکرد دولت خصوصاً دولت دوازدهم مدیریت تعلیم و تربیت در زیست بوم کروناست؛ جامعه جهانی و ایران ناخواسته به زیست بوم کرونا پرتاب شد. آموزش و پرورش همانند سایر بخش‌های جامعه و حتی کمی بیشتر و زودتر از همه بخش‌های جامعه با

تعطیلی و دیرتر از همه با بازگشایی مدارس مواجه شد و ورود به جامعه‌ای یافت که من از آن به جامعه توفانی یاد می‌کنم. وضعیتی که بیشتر از کل جامعه نظام آموزش و پرورش را متاثر ساخت. آموزش و پرورش با دگرگونی‌های سریع، پدیده، بنیادین، مستمر، ناگهانی و غافلگیرکننده روبه‌رو شد. وضعیتی که نه تنها هیچ کس پیش‌بینی نمی‌کرد، بلکه تجربه‌ای هم در هیچ نقطه‌ای از جهان در مواجهه با چنین وضعیتی پیش رو نبود. آموزش و پرورش ایران در این زمان دوساله با این سیاست که گرچه مدرسه تعطیل شده است ولی تعلیم و تربیت باید تداوم یابد و با تکیه بر راهبرد انعطاف‌پذیری و پوشش و ارتباط حداکثری جریان یاددهی و یادگیری را خصوصا با راه‌اندازی شبکه شاد و نیز پای کار آمدن سیمای ملی و ارسال محتواهای خودآموز به شکل ترکیبی مدیریت کرد. ۷۷ درصد معلمان، ۶۷ درصد دانش‌آموزان و ۹۹ درصد مدیران از طریق شبکه شاد و سایرین نیز از سایر طرق تعلیم و تربیت در این دوره سخت را به شکل نسبتا موفقی در مقایسه با کشورهای منطقه پشت سر گذراندند. توجه به هوشمندسازی مدارس که مثلا در ابتدای دولت یازدهم تجهیز به رایانه ۱۰/۲۸ درصد مدارس را شامل می‌شد به ۶۸/۴ درصد در پایان دولت دوازدهم یعنی ۵۶۵ درصد رشد موضوعی است که امکان مدیریت در این دوره را تسهیل کرد و یکپارچه‌سازی سامانه‌های الکترونیکی آموزش و پرورش در همین زمان امکان تحقق یافت.

هشتمین موضوع به رشد درصد باسوادی در دولت یازدهم و دوازدهم مربوط می‌شود. در این بازه زمانی درصد باسوادی از ۹۲/۴ درصد به ۹۷/۳ درصد افزایش یافت به طوری که در مجموع درصد باسوادی در دهه ۹۰ سه برابر میانگین جهانی رشد یافت. توجه به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با رشد ۱۱ درصدی پوشش تحصیلی و نیز ۱۴۶ درصدی بازگشت بازماندگان از تحصیل به سپهر تعلیم و تربیت مواجه شد.

به عنوان نهمین محور موفقیت، دست‌کم در حوزه جهت‌گیری‌های درست در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان حرکت به سمت کمرنگ شدن آموزش کارخانه‌ای و یکنواخت و فرمال و تئوساختی، آموزش‌زده و نمره‌گرا می‌توان اشاره کرد. توصیفی شدن ارزیابی‌ها در دوره ابتدایی و خصوصا طراحی و اجرایی‌سازی طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعدادها برتر) که از سال ۱۳۹۳ با پوشش ۵ درصدی شروع و تا پایان دولت به رشد صد درصدی جمعیت هدف دانش‌آموزی رسید، گام بسیار مهم، اما ناکافی برای تحقق تعلیم و تربیت فردی شده مبتنی بر استعدادها و تفاوت‌های فردی است که فقدان این نگاه یا عدم رشد کیفی آن در نظام تعلیم و

تربیت به عنوان جدی‌ترین چالش امروزیین تعلیم و تربیت ایران محسوب می‌شود.

توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش و نیز سیاستگذاری در حوزه توسعه متوازن رشته‌ها در دوره دوم متوسطه را می‌توان دهمین محور موفقیت در دولت‌های یازدهم و دوازدهم برشمرد، به گونه‌ای که کل هنرجویان از چهارصد هزار سال ۹۲ در مجموع به بیش از یک میلیون افزایش یافتند و رشته‌های فنی و کار و دانش به بیش از دویست رشته افزون شد و طرح‌هایی مثل برون‌سپاری رشته‌های کار و دانش، ایران مهارت، هنرستان‌های جوار، آموزش همراه با تولید و نیز مرکاب (ایجاد مراکز رشد و کارآفرینی در برخی هنرستان‌ها) نه تنها بر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افزود، بلکه مشارکت سایر دستگاه‌ها و بخش خصوصی در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را نیز تا حدودی تمهید ساخت.

یازدهمین محور عملکردی دولت در دهه نود در قلمرو آموزش و پرورش را می‌توان در نگاه به اجرایی‌سازی تدریجی سند تحول بنیادین جست‌وجو کرد و تمامی موارد ده‌گانه فوق نیز برگرفته از آموزه‌های سند تحول بنیادین جهت‌گیری و به سوی اجرا قدم برداشته است. وزیر کنونی آموزش و پرورش فرموده‌اند، در 10 سال گذشته سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به کنار نهاده شده و سند ۲۰۳۰ ملاک عمل قرار گرفته است. این درحالی است که جز زیر نظام درس ملی که قبل از این دولت به تصویب رسیده بود پنج زیر نظام دیگر در دولت یازدهم و دوازدهم به تصویب رسید و در سال‌های ۱۳۹۲ به بعد که دکتر فانی وزارت آموزش و پرورش را برعهده گرفتند، مشاور سند تحول بنیادین را منصوب کردند و تمامی وزرای پس از دکتر فانی در دولت پیشین جناب دکتر مددی، مشاور وزرا در اجرای سند تحول بودند. دکتر فانی در آن سال‌ها علاوه بر آن نود و دو برنامه سرآمد سند تحول بنیادین را برای اجرا به همه استان‌ها اعلام کردند و همه مکلف به اجرای آنها در ستاد، استان‌ها، مناطق و مدارس بودند.

در همان زمان اینجانب مدیر کل آموزش و پرورش خراسان رضوی بودم و نظام جامع برنامه‌ریزی را تدوین و تصویب کردیم و کتاب آن را منتشر ساختیم و با ۴۰۰ شاخص تمام برنامه‌ها و شاخصه‌ها را مستند به بندهای سند تحول بنیادین طراحی و به اجرا گذاشتیم. از جمله این برنامه‌ها در حوزه دینی و اعتقادی طرح شهیدپژوهی، ایجاد مراکز شاهدپژوهی و برنامه قنات (قرآن، نماز، امام‌شناسی و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت) بود.

در زمان وزارت دکتر سیدمحمد بطحایی این برنامه‌ها استمرار یافت و نهایتاً مبتنی بر سند تحول بنیادین ۶۰۰ برنامه استخراج و برای اجرا به استان‌ها ابلاغ شد و میزهای اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین با حضور و مشارکت معلمان، اولیا و کارشناسان و مدیران و صاحب‌نظران در نواحی ۷۶۰گانه طراحی شده بود.

در دوره سرپرستی اینجانب بر وزارت آموزش و پرورش که پس از دوره وزارت دکتر بطحایی اتفاق افتاد، میزهای طراحی شده اجرایی‌سازی سند تحول تدقیق و تکمیل و میز اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین در سطح مدرسه هم به آن افزوده و به همه ادارات کل ابلاغ و تاکید شد که اساس همه فعالیت‌ها اجرای این برنامه‌ها که مستند و مستخرج از سند تحول بنیادین است، مبنای عمل قرار گیرد.

در دوره وزارت دکتر محسن حاجی‌میرزایی که اینجانب در آن دوره معاونت وزارت و ریاست سازمان آموزش و پرورش استثنایی را برعهده داشتم در تمامی دو سال هر روز صبح شنبه با حضور وزیر و معاونین و برخی نویسندگان سند تحول بنیادین و صاحب‌نظران دانشگاهی جلسات دو تا سه ساعت چگونگی اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین برگزار میشد و در راستای تحقق آموزه‌های سند ۲۵ بسته تحولی تدوین، تصویب و به اجرا گذاشته شد.

در عین حال هیچ‌کس ادعا ندارد که نظام تعلیم و تربیت توانسته است به شکل مطلوب سند تحول را اجرا کند و کاستی‌ها و ناکامی‌ها در این مسیر بسیار است، اما آنچه مبنای عمل و بودجه‌ریزی تعلیم و تربیت قرار گرفته، آموزه‌های سند تحول بنیادین بوده است.

در پایان یادآوری می‌کند در این گفتار فقط موفقیت‌ها گزارش شده و ذکر دو نکته ضروری است؛ اول اینکه این موفقیت‌ها در بسیاری از زمینه‌ها نوعی جهت‌گیری مثبت محسوب می‌شود که نیاز به استمرار، کیفیت‌بخشی و تصحیح و تکمیل دارد و دوم اینکه مشکلات و آسیب‌ها و ناکامی‌ها هم بسیارند که در یادداشتهای گوناگون به آن پرداخته و خواهم پرداخت.

منبع: روزنامه اعتماد 23 دی ماه 1402 خورشیدی